روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۰ • ۲۴ شعبان ۱۴۴۲ • ۷ آوریل ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۷۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۱۹:۴۹
اذان صبح فردا ۵:۱۵ • طلوع آفتاب ۶:۴۱

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

درحالی‌که تهران در وضعیت قرمز کرونا قرار دارد، تراکم جمعیت در واگن‌های مترو عملا امکان فاصله گذاری اجتماعی را نمی دهد. عکس: بهنام صادقی، پانا

زنان

زنان طبقه متوسط ناپدید شدند

گیسو فغفوری: در روزهای آغازین ۱۴۰۰، آینده پیش‌روی بسیاری از زنانی که می‌شناسم امیدوارانه نیست. زیر بار سهمگین عوارض ناشی از همه‌گیری کرونا، افزایش مسئولیت‌های خانه و خارج از خانه قرار دارند و از یک سو نگرانی‌های اجتماعی، از سویی دیگر نگرانی‌های احساسی. نه می‌توانند دل به وعده‌ها در روزهای پایانی دولت و مسئولان اجرائی ببندند و نه امیدی به بهبود شرایط و قوانین حمایتی دارند؛ آن هم در مجلسی که مدام به دنبال تغییر نقش زنان و نگه‌داشتن آنان در منزل است. قوانینی که حتی بعد از ۱۵ سال لغو می‌کند نظیر سقط جنین درمانی و غربالگری آنان و قوانین سختگیرانه‌تری که درباره مهریه و عدم امکان خروج از کشور بدون اجازه همسر را تصویب می‌کند. از سوی دیگر انجام فعالیت‌های مدنی و حضور در تغییرات جامعه نیز با توجه به شرایط اقتصادی سخت، برایشان کم‌رنگ‌تر شده است. کرونا از یک سو که بسیاری را ناگزیر به دورشدن از جوامع و انجمن‌ها کرده و تحریم‌ها از سویی دیگر که دلخوشی‌های کوچک را تبدیل به کالاهای لوکس کرد. از سوی دیگر، زنانی را می‌بینیم که از هر سو می‌روند مردانی در قدرت سد راه تلاش آنها برای پیشرفت و تغییر قرار دارند. به‌تازگی نیویورک‌تایمز مقاله‌ای درباره حدف زنان طبقه متوسط پس از تحریم‌ها به قلم آزاده معاونی و سوسن طهماسبی منتشر کرده است. آزاده معاونی که متولد و ساکن آمریکاست جزء آن دسته از خارج‌نشینانی است که به دلیل مواضع میانه‌رو خود در شبکه‌های اجتماعی مورد حملات مداوم است. او کتاب‌هایی از جمله «ماه عسل در تهران» و «مهمانخانه بیوه‌های جوان» را نوشته و به دلیل تسلط به زبان عربی بیشتر در حوزه خاورمیانه فعالیت می‌کند. او و طهماسبی در این مقاله به تأثیر تحریم‌های ترامپ هم‌زمان با کرونا بر حذف زنان طبقه متوسط پرداخته‌اند. در این مقاله آمده است: «دولت ترامپ با اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ایران، محدودکردن فروش نفت و دسترسی به سیستم بانکی جهانی و واردکردن اقتصاد به رکود عمیق، ضربه عظیمی به زنان ایرانی وارد کرد. از بهار ۲۰۱۸، ریال ایران ۶۸ درصد ارزش خود را از دست داده است. در مارس ۲۰۲۰، تورم به حدود ۴۱ درصد رسید. تولید ناخالص داخلی ۶.۵ درصد کاهش یافت و بی‌کاری ۱۰.۸ درصد بود. این تحریم‌ها یکی از سودهای کلیدی توافق هسته‌ای را از بین برد: سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد شغل که قرار بود همراه با گشودن بازارهای ایران به جهان باشد. انحطاط اقتصاد ایران در زندگی زنان ایرانی طبقه متوسط تأثیر بسزایی گذاشت. این رکود در حال ازبین‌بردن دستاوردهای شکننده آنها در اشتغال، سمت‌های مدیریت عالی و نقش‌های مدیریت در هنر و آموزش عالی است، درحالی‌که ظرفیت آنها را برای جست‌وجوی اصلاحات قانونی و حمایت‌ها کاهش می‌دهند». در این مقاله به سراغ یک مدرس زبان رفته‌اند: «هنگامی که این تحریم‌ها آغاز شد، مهسا محمدی، ویراستار ۴۵ساله و مدرس زبان بودجاره در تهران به دلیل اینکه تورم دو برابر شد، مجبور شد با پسر خردسالش به دهکده‌ای ارزان‌قیمت و محافظه‌کار در نزدیکی دریای خزر نقل مکان کند و تحصیل در خارج از کشور برایش تبدیل به رؤیایی ازدست‌رفته شد». او به نیویورک‌تایمز گفته است: «تمام خواسته‌ها و امیدهای ما از بین رفته است. فشار، غیر قابل تحمل است». در بخش دیگری از مقاله به تردیدها و تعلیق‌های بایدن برای تعامل مجدد با ایران و تأثیراتش اشاره کرده است: «برخی از کسانی که مخالف بازگشت آمریکایی‌ها به توافق هسته‌ای هستند، حتی به عنوان شرط‌های اولیه برای مذاکره در توافق‌نامه گسترده، خواستار حمایت قاطعانه از حقوق زنان ایرانی شده‌اند اما هم‌زمان به سخنرانی در کنگره منافقین می‌پردازند. سازمانی که بر مبنای تحقیر زنان و سلب آزادی آنان شکل گرفته است. برای بسیاری از زنان در ایران، استدلال‌های تندروان آمریکایی درباره تغییر رژیم بر اثر فشارهای مداوم، قابل درک نیست. از نظر برخی از آنها وقتی این تحریم‌ها سبب می‌شود اقتصاد کشور و معیشت مردم از بین برود، اشک‌ریختن طرفداران تحریم برای حمایت از حقوق بشر، توخالی به نظر می‌رسد». در این مدت بسیاری از طرفداران رفع تحریم‌های ایران چه در داخل و چه در خارج بر نکته‌ای تأکید می‌کردند و آن نقش زنان طبقه متوسط در انجام فعالیت‌های مدنی بود و اکنون در این مقاله با خطاب قراردادن تیم بایدن در مذاکرات، به آن اشاره شده است: «زنان ایرانی دهه‌هاست که برای حقوق بیشتر و دموکراسی تلاش می‌کنند و پیروزی‌های آنها در برابر اکثر محدودیت‌های نهادینه‌شده توسط فعالان طبقه متوسط انجام شده است. زنان طبقه متوسط که اغلب به‌عنوان موتور اصلی تحولات اجتماعی تلقی می‌شوند، زندگی و امیدهای خود را بر اثر تحریم‌های دولت ترامپ ازبین‌رفته می‌بینند و درهم شکسته‌اند و امروز «زن طبقه متوسط» در ایران مقوله‌ای در حال نابودی است». و سؤال اینجا است که ایالات متحده با این ویرانی چه چیزی را به دست آورد؟ در بخش دیگری از این مقاله به اشتغال زنان زیر سایه تحریم و همه‌گیری پرداخته و با مراجعه به آمار نوشته شده است: «اگرچه زنان در ثبت‌نام در دانشگاه از مردان بیشترند، اما آنها اغلب فارغ‌التحصیل می‌شوند و متوجه می‌شوند که کارفرمایان ترجیح می‌دهند مردان را استخدام کنند. با وجود این موانع، نرخ اشتغال زنان در سال‌های اخیر افزایش یافته بود، اما شوک لایه‌ای اقتصاد ایران از تحریم‌ها و کووید۱۹باعث شده است که آنها به طور نامتناسبی موقعیت خود را از دست بدهند. از مارس تا سپتامبر سال ۲۰۲۰، مردان ۶۳۷ هزار شغل خود را از دست دادند، درحالی‌که زنان که تقریبا ۱۷.۵ درصد مشارکت در بازار کار را دارند، ۷۱۷ هزار موقعیت شغلی را از دست دادند». در بخش‌های دیگر این مقاله به فشارهای زنانی که در حوزه‌های فرهنگی نشر، ترجمه و سینما فعالیت می‌کنند اشاره شده است. زنانی که حالا کمتر امکان چاپ کتاب، تهیه فیلم‌هایی با مضمون‌های مدنی و مستقل دارند و به تأثیر مؤسسه سینمایی «اوج» و تلویزیون که به دنبال تغییر تصویر زنان هستند، می‌پردازند. این مؤسسه‌ها در فیلم‌هایی که می‌سازند بیشتر علاقه‌مندند زنان را در نقش حافظان خانه و تأمین‌کننده خواسته‌های مردان تصویر کنند. در این مقاله با اشاره به سریال اغراق‌شده «هوملند» تحلیل کرده است که «اکنون سینمای اجتماعی ایران به دلیل مشکلات اقتصادی، کمتر به پرسشگری درباره جنسیت، فرهنگ، ازدواج و قدرت می‌پردازد». در بخشی از مقاله نقل قولی از زنی با نام مستعار فاطمه شده است که در زمینه خشونت خانگی فعالیت می‌کند و معتقد است که فشار اقتصادی سبب شده است تا برخی از زنان ناگزیر از تحمل شرایط سخت فشار و خشونت شوهرانشان یا پدرانشان باشند و حتی برخی از جوانانی که امکان زندگی مستقل را داشتند دوباره پیش خانواده برگردند». این مقاله در گفت‌وگو با یکی از زنان فعال مدنی، شیوا نظرآهاری، اشاره کرده است: «زنان ایرانی در ضمن تلاش اقتصادی و غرق‌نشدن در فقر هم‌زمان نمی‌توانند برای پیشبرد حقوق قانونی و تغییرات سیاسی عمیق‌تر تلاش کنند. فعالان برای بقا تلاش می‌کنند. آنها در پایان روز بیش از حد خسته و درگیر بقای اقتصادی هستند تا بتوانند مؤثر واقع شوند». این مقاله با اشاره به سخنان برخی فعالان تأکید می‌کند: «در این بین با افزایش سوءظن‌ها نسبت به فعالیت زنان فعال، کوچک‌ترین فعالیت‌ها با سوءظن، مواجه می‌شد. جملات پایانی این مقاله سخنان فائزه توکلی، مورخ مؤسسه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران است: «فشار روی طبقه متوسط زنان، کاملا ظالمانه است. توجیهات تحریم‌ها قانع‌کننده نیست؛ شما نمی‌توانید به مردم بگویید گرسنه بمانید و سپس به دنبال آزادی باشید». این مقاله مروری است بر آنچه در این مدت بر زنان ایرانی گذشته است و این نکته که «با وجود درگیری دیپلماتیک واشنگتن و تهران، مردم ایران در انتظار تسکین هستند».

اتفاق

واکسیناسیون ۱۰ سال دیگر؟

«رکورد بی‌سابقه بستری‌های کرونا در تهران»، «تجربه خوزستان در تهران در حال تکرار است»، «شاهد وقوع یک سناریوی تلخ هستیم که نباید رخ می‌داد»، «ثبت رکورد بی‌سابقه در بستری‌های کرونا در تهران»، «پیشنهاد تعطیلی یک هفته تا ۱۰روزه استان تهران»؛ اینها بخشی از تیترهایی است که این دو روز درباره وضعیت کرونا در تهران از زبان مسئولان بیان می‌شود. به آه و ناله‌های وزیر بهداشت و سخنگو و فرمانده ستاد کنترل کرونا و تعداد دیگری از مسئولان هم اشاره‌ای نمی‌کنیم؛ اما مردم در شبکه‌های اجتماعی بر چند خواسته تأکید می‌کنند «چرا واکسن نمی‌خرند»، «چرا نمی‌توانند بحران را مدیریت کنند»، «چرا راه‌ها بسته نشد و اجازه سفر داده شد»، «حالا که بحران در حال گسترش است چرا سریع‌تر راه‌حلی را اجرائی نمی‌کنند». بلومبرگ پیش‌بینی کرده است که واکسیناسیون ۷۵ درصد جمعیت کشورهایی مثل اوکراین، پاکستان، ایران و بنگلادش با ادامه روند فعلی به یک دهه زمان نیاز دارد. طبق خبر بلومبرگ که در ۱۵ بهمن ۹۹ منتشر شد، ایران قرار بود ۴.۲ میلیون آسترازنکا خریداری کند که بعد از تغییر تصمیمات به خرید دو میلیون واکسن روسی منجر شد. از همان زمان تاکنون بارها خبرگزاری‌های جهان اعلام کرده‌اند ایران بیشترین مرگ‌ومیر و آسیب را بر اثر کرونا در خاورمیانه متحمل شده است. هرچند با این وضعیت به نظر می‌رسد مردم تنها راهی که برایشان مانده است غیر از زدن ماسک امیدواربودن به روزهای آفتابی و کمک خورشید است، چراکه یک تحقیق جدید نشان می‌دهد که نور خورشید قادر است ویروس کووید ۱۹ را هشت برابر سریع‌تر از آنچه تاکنون تصور می‌شد، خنثی کند. آنچه می‌توان از جملات و واکنش‌های کاربران و مردم در شبکه‌های اجتماعی دریافت «احساس بی‌پناهی گسترده» است.

پشت نقاب

مشت آهنین پوتین

دکتر بهرام امیراحمدیان
کارشناس مطالعات اوراسیا

ولادیمیر پوتین ناجی روسیه در حال فروپاشی بود. هنگامی که در سال‌های پایانی ریاست‌جمهوری بوریس یلتسین روسیه گرفتار نافرمانی مدنی، فقر، شکاف طبقاتی، مافیا و ناامنی بود، در سال ۱۹۹۹ از سوی رئیس‌جمهور بوریس یلتسین به‌عنوان جانشین ریاست‌جمهوری وارد عرصه سیاسی روسیه نوین شد. افزایش قیمت نفت به کمک روسیه آمد و ولادیمیر پوتین با تقسیم کشور به هفت منطقه فدرال و گماردن دوستان نظامی خود به‌عنوان فرمانداران این مناطق به مبارزه با جرم و جنایت پرداخت. او توانست با مبارزه‌ای بی‌امان با جدایی‌طلبان چچن مقابله کند و با حملات بی‌رحمانه، جمهوری چچن به‌ویژه شهر گروزنی پایتخت آن را به ویرانه‌ای باقی‌مانده از بمباران‌های هوایی و زمینی تبدیل کند و با کشتار وسیع جنگجویان جدایی‌طلب چچنی، چهره جدیدی از جمهوری خودمختار چچن به جا گذاشت. جمهوری چچن امروزی، جمهوری دیگری است که تفاوت بسیاری با چچن دوران مبارزه با دولت مرکزی دارد. پوتین مصمم بود که بحران قفقاز شمالی در داغستان و چچن را آرام کند. خود پوتین بر این باور است که موضوع تنها استقلال چچن نبود و این بیشتر بهانه غرب برای فروپاشی فدراسیون روسیه بعد از فروپاشی شوروی بود. خیلی از جریان‌های غربی و غرب‌گرایی در داخل و خارج از عملکرد پوتین انتقاد می‌کنند. روسیه کشوری گسترده است و هنگامی که مردم در شرق روسیه از خواب بیدار شده و فعالیت‌های خود را آغاز می‌کنند، در غرب روسیه مردم در خواب‌اند. این کشور حدود ۲۰۰ قومیت متفاوت و ادیان مسیحی و اسلامی و بودایی و حتی شمنیسم در آن حضور دارد. انتظار پیاده‌سازی نظام‌های جمهوری‌های غربی در آن انتظاری بیهوده است. این کشور با فرهنگ خود، زبان روسی، دین مسیحی ارتدکس، الفبای کریلیک، سرزمینی ویژه، نوعی از حکومت را می‌طلبد که دارای ویژگی‌های تاریخی است و اگرچه در حال تحول، ولی با همان منطق. در دوره تزارها این تزار بود که زمام امور را در دست داشت. در امپراتوری روسیه که از دوره پتر کبیر در اواخر قرن هجدهم آغاز می‌شود، امپراتور جای تزار را می‌گیرد ولی شیوه حکومتی همان توتالیتر و دیکتاتوری است. با سقوط امپراتوری روسیه در دهه دوم قرن بیستم، حکومت شوراها در دست رهبران کمونیست است. لنین و استالین و خروشچف و برژنف همان تزار و همان امپراتور هستند. با فروپاشی شوروی یلتسین همان تزار با لباسی دیگر است که مجلس را بمباران می‌کند. دموکراسی غربی امکان ظهور ندارد و روسیه، تزاری مدرن و باقدرت مانند پوتین را پرورش می‌دهد. او در مصاحبه خود در آغاز زمامداری به‌عنوان کفیل ریاست‌جمهوری عنوان می‌کند که توان اداره کشوری با این ویژگی را ندارد، ولی سعی خواهد کرد. آغاز زمامداری پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور، تحولی نو در امپراتوری روسیه نوین به‌عنوان امپراتوری قاره‌ای است. پوتین نشان داده است که با مشتی آهنین با بحران‌ها روبه‌رو می‌شود و به مدد نیروهای نظامی قدرتمند، تسلیحات شگفت‌انگیز برای مقابله با ناآرامی‌ها و ایستادگی در برابر باندهای مافیایی و جدایی‌طلبان و بازدارندگی هسته‌ای در برابر قدرت‌های برتر، امنیتی خوف‌انگیز در روسیه پدید آورده است. او با هیچ‌کس و هیچ قدرتی سر سازش ندارد و منطق خود را در حل مسائل نظامی و سیاسی دارد. در برابر بحران‌های داخلی نیز با خونسردی، بدون اتکا به کمک‌های خارجی مسائل را دنبال کرده است. فاجعه زیردریایی کورسک در ماه آگوست سال ۲۰۰۰ در دریای بارنتز و کشته‌شدن ۱۱۸ نفر از ملوانان حاضر در زیردریایی، پایان‌بخشیدن به گروگان‌گیری چچن‌ها در تئاتر مسکو در ۲۳ تا ۲۶ اکتبر ۲۰۰۲ و کشته‌شدن بین ۱۷۰ تا ۲۲۴ نفر، عملیات قهری در مدرسه بسلان و ندادن پاسخ به باج‌خواهی گروگان‌گیران چچنی، در سپتامبر ۲۰۰۴ که موجب کشته‌شدن بیش از ۳۳۰ نفر از دانش‌آموزان و برخی گروگان‌گیران شد، نمونه‌هایی از اقتدار حکومت مرکزی در روسیه است. ولادیمیر پوتین، این مرد آهنین، از هیچ قدرت و سازمانی بین‌المللی واهمه ندارد و با مدل خود برای حل بحران‌ها اقدام می‌کند و علاقه‌ای به پاسخ‌گویی ندارد. کنارگذاشتن مخالفان به سبک روسی، رئیس‌جمهور را برای اداره بهتر جامعه قدرتمند کرده است. او مدل دلخواه فرهنگ حکومت‌داری در روسیه است که اغلب مردم آن را پذیرا هستند. شگفت‌انگیزترین حادثه دوره زمامداری پوتین، پاسخ خشن به دولت گرجستان در دوره ریاست‌جمهوری ساآکشویلی در برابر پایان‌بخشیدن به بحران جدایی‌طلبی در دو منطقه جدایی‌طلب «استان خودمختار اوستیای جنوبی» و «جمهوری خودمختار آبخازیا» از ترکیب جمهوری گرجستان در هشتم ماه آگوست سال ۲۰۰۸ بود که با حملاتی برق‌آسا، آنها را از قلمرو گرجستان منفک کرد و به سطح یک کشور ارتقا داد و ضمن به‌رسمیت‌شناختن استقلال آنها به‌عنوان کشور و برقراری روابط دیپلماتیک با آنها، نشان داد که در منطقه قفقاز حاضر به معامله نیست. آخرین تحولات سیاسی و نظامی در روسیه، لشکرکشی به شبه‌جزیره کریمه و برگزاری رفراندوم استقلال از اوکراین در آن و سپس برگزاری همه‌پرسی الحاق به روسیه در سال ۲۰۱۴، نشان می‌دهد که روسیه با قدرت نظامی خویش می‌تواند به خواسته خود دست یابد و تابع هیچ قدرت خارجی‌ای نیست. این یکی از ابزارهای اوست که در هیچ محکمه و جلسه پرسش و پاسخی به این‌گونه مسائل و مسئولیت‌های خود پاسخ نگوید. این روسیه پوتین بود که بحران قره‌باغ را در ماه‌های پایانی سال ۲۰۲۰ رقم زد و با زیرکی تمام «خط حایل روسیه» علیه غرب را از غرب دریای سیاه در «ترانسنیستریا» در مولداوی، شبه‌جزیره کریمه، شرق اوکراین، آبخازیا، اوستیای جنوبی به قره‌باغ را متصل کرد و با دو هزار نیروی پاسدار صلح در قره‌باغ مستقر شد. آیا پوتین در فکر احیای شوروی است؟ روسیه با این فعالیت‌هایی که انجام داده است: تشکیل جامعه مستقل مشترک‌المنافع، اتحادیه گمرکی، پیمان امنیت دسته‌جمعی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نفوذ نظامی و سیاسی و امنیتی بر قفقاز، آسیای مرکزی، بلاروس و مقابله با سرکشی اوکراین و گرجستان، همه نشان از آن دارد که روسیه امنیت ملی خود را دوباره در چارچوب مرزهای اتحاد شوروی جست‌وجو می‌کند. او در برابر سؤال خبرنگاری درباره اتحاد شوروی و بازگشت آن می‌گوید: «می‌بینم که در غرب هیچ‌کس نمی‌فهمید که اتحاد جماهیر شوروی از نقشه سیاسی جهان ناپدید شده و یک کشور جدید با اصول اومانیستی و ایدئولوژیک در پایه و اساس وجود آن پدید آمده است... هرکس دلش برای اتحاد جماهیر شوروی تنگ نشده است، قلب ندارد و هر که می‌خواهد دوباره بازگردد، مغز ندارد». ولادیمیر پوتین، بارها به‌عنوان مرد برتر سال انتخاب می‌شود که این تنها به مفهوم شاخص بهترین نیست. او با ایجاد شرایط خاصی در داخل کشور توانسته است اعتمادبه‌نفس تضعیف‌شده ملت روس را که در سال‌های پساشوروی از آن ناخرسند بودند به آنها بازگرداند. این فرایند با قدرت‌گیری اقتصادی روسیه از محل افزایش بهای نفت و گاز در بازارهای جهانی و به تبع آن اعمال قدرت نظامی در سرکوب مخالفان داخلی و جریان‌های تجزیه‌طلب مصادف بوده است. پوتین در پارلمان روسیه با دردست‌داشتن حداکثر کرسی‌های پارلمان توسط حزب «روسیه واحد»، ابزارهای قانونی برای اعمال اراده سیاسی خود برای اداره کشور را در دست دارد.

پرنده آبی

«آقا مرتضی»، غزاله علیزاده و سایر حواشی

پخش یک مستند هفت‌قسمتی درباره زندگی مرتضی آوینی از صداوسیما واکنش‌های زیادی را به دنبال داشت، یکی از بخش‌ها ماجرای رابطه آوینی و غزاله علیزاده بود. مسئله‌ای که در این مستند چنین روایت می‌شود: «غزاله (علیزاده) خانی بود که کامران (شهید آوینی) از او گذشت. دختر خاص جذابی که می‌تونست کامران رو زمین‌گیر کنه اما نکرد. داستانی که کامران اونو نیمه‌تموم رها کرد». همچنین «امیرهوشنگ اردلان» هم می‌گوید که مرتضی آوینی «زن‌گریز» بود و در این رابطه کشش از سوی غزاله علیزاده بود چراکه مرتضی آوینی بت خوبی برای غزاله علیزاده بود. حسن معززی‌نیا که در اینستاگرامش خطاب به علی‌عسگری رئیس صداوسیما هم بحث دزدی از راش‌های مستندهایی که او و پوراحمد تهیه کرده بودند را مطرح کرد و هم به عبارت «بدون سانسور» در عنوان این مستند اعتراض کرد: «در همه سال‌هایی که از شهادت آوینی گذشته فقط با یک قلم سانسور پایدار و جان‌سخت درباره‌اش سروکار داشته‌ایم که عبارت است از پنهان‌کردن این واقعیت که همان کسانی که در یک سال آخر حیاتش او را طرد کردند و به خروج از دایره «حزب‌اللهی‌ها» متهمش کردند، ۲۸ سال است زیر نامش سینه می‌زنند و به روی خودشان نمی‌آورند روزگاری چه نوشته‌اند، چه گفته‌اند و چه کرده‌اند». مریم امینی، همسر سیدمرتضی آوینی، نیز با اشاره به نامه‌ای که برای توقف پخش مستند «آقا مرتضی» به معاون سیما (حمید شاه‌آبادی) نوشته به ایسنا گفت: «آیا قانون این اجازه را می‌دهد که با حریم شخصی یک نفر چنین کاری کرد؟ روایت دوره جوانی ایشان (مرتضی آوینی) براساس کدام استناد است وقتی هیچ‌کدام از افراد خانواده آنها را تأیید نکند؟ وقتی بخش اول مستند را دیدم واقعا احساس کردم یک تعرض به خانواده‌ام صورت گرفته و زیرپاگذاشتن حریم خانواده را با پرده‌دری و وقاحت باور نمی‌کردم. ضمن اینکه استفاده از راش‌هایی که متعلق به تهیه‌کننده این مستند نیست هم حیرت‌آور است و راه را برای شکایت صاحبان دیگر فیلم‌ها باز می‌گذارد». همچنین محمدعلی شعبانی، کارگردان مستند «انحصار ورثه» گفت: «وقتی با دوستان در اوج و نیز با تهیه‌کننده این مستند صحبت کردم، به دلیل اعتمادبه‌نفس بیش از حد آقایان و در واقع رویکردی که داشتند، احساس شهروند درجه دو بودن در من ایجاد شد. آنها می‌گفتند این حرف‌ها (اعتراض‌های شعبانی و خانواده شهید آوینی) قرون وسطایی است و شهید متعلق به همه است. در واقع ملغمه‌ای از «همینی که هست» را دیدم». قرار است خانواده آوینی پیگیری حقوقی درباره این مستند را آغاز کنند.

حق‌بان

نرخ عدالت در سال ۱۴۰۰

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

سال جدید در نظام اداری با ابلاغ قانون بودجه و برای دست‌اندرکاران حقوق و قضا با تعیین نرخ دیه آغاز می‌شود. تغییرات محدود به افزایش دیه نیست و اثر بحران‌های مالی، نرخ تورم و سیاست‌گذاری‌های پولی را می‌توان به ترتیب در سه قسمتِ: بخش‌نامه نرخ دیه، تصویب‌نامه تعدیل مبالغ جزای نقدی و قانون بودجه، بررسی کرد:

نخست. بخش‌نامه قیمت دیه: براساس ماده ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی میزان دیه در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضائیه براساس نظر مقام رهبری تعیین و ابلاغ می‌شود. در بخش‌نامه مورخ ۲۷ اسفند ۱۳۹۹ رئیس قوه قضائیه آمده است: «با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده قیمت دیه کامله در ماه‌های غیرحرام از ابتدای سال ۱۴۰۰، مبلغ چهارمیلیاردو هشتصد میلیون ریال تعیین می‌شود». اگر جرم قتل باشد، عمدی یا غیرعمدی، مشروط بر اینکه عمل مجرمانه و فوت مقتول هر دو در ماه‌های حرام (محرم، رجب، ذی‌القعده و ذی‌الحجه) رخ دهد، به میزان دیه یک‌سوم اضافه می‌شود. اولین اثر این بخش‌نامه در افزایش حدود ۵۰ درصدی نرخ بیمه شخص ثالث وسایل نقلیه خواهد بود. همچنین افرادی که در گذشته به پرداخت دیه محکوم و هنوز موفق به ادای آن نشده‌اند، مکلف‌اند با نرخ جدید آن را پرداخت کنند.

دوم. تصویب‌نامه درخصوص تعدیل میزان مبالغ جزای نقدی: بخش اعظمی از مجازات‌ها را جزای نقدی تشکیل می‌دهد. کاهش مستمر ارزش پول ملی باعث شده قانون‌گذار در ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی جدید پیش‌بینی کند که هر سه سال یک بار به تناسب نرخ تورم اعلام‌شده توسط بانک مرکزی، با پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت وزیران، مبالغ مجازات‌های نقدی قوانین کیفری تعدیل شود. البته در ادامه ماده پیش‌گفته آمده است: «... درمورد احکامی که بعد از آن صادر می‌شود لازم‌الاجرا می‌گردد» که به نظر منطقی نمی‌رسد و مغایر با اصل ۱۶۹ قانون اساسی است که بیان می‌دارد: «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی‌گردد». در نتیجه این تعدیل (واژه «تعدیل» معنای متعادل‌کردن می‌دهد اما هرجا به کار می‌رود منظور همان «افزایش» است!) تنها درمورد جرائمی که پس از الزامی‌شدن اجرای آن رخ می‌دهد قابل اجراست. بماند که اصل موضوع، یعنی تعیین مجازات با تصویب‌نامه هیئت وزیران، با توجه به قاعده قانونی‌بودن جرم و مجازات‌ها که تقنین در مجلس شورای اسلامی را ضروری می‌داند و در اصل ۳۶ قانون اساسی به آن اشاره شده، جای تأمل دارد. این تصویب‌نامه ۱۴ صفحه پیوست دارد و جزای نقدی را در ۶۵ قانون افزایش می‌دهد؛ برای نمونه: جزای نقدی درجه یک از یک میلیارد ریال به دومیلیاردو ۸۰۰ میلیون ریال، جزای نقدی درجه هشت از ۱۰ میلیون ریال به ۳۰ میلیون ریال و جزای نقدی جرم شنود غیرمجاز در جرائم رایانه‌ای از ۱۰ تا ۴۰ میلیون ریال به ۲۵ تا ۱۵۰ میلیون ریال افزایش پیدا کرده است. میزان افزایش به طور متوسط بیش از سه برابر است که با نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی در سه سال اخیر که مبنای افزایش دستمزد کارگران و کارمندان قرار گرفته چندان سازگار نیست!

سوم. قانون بودجه ۱۴۰۰: قانون بودجه امسال سرانجام پس از فراز و فرود فراوان تصویب، تأیید و در نهایت، روز ۲۸ اسفند در روزنامه رسمی منتشر شد. قصه پرغصه بودجه‌نویسی در ایران مجال دیگری می‌طلبد، در اینجا تنها به موضوعات مؤثر در نظام حقوقی می‌پردازیم. الزام قوه قضائیه به تکمیل سامانه ثبت قرارداد الکترونیکی بین وکیل و موکل، افزایش تعرفه استفاده از دستبند الکترونیکی از روزانه ۳۰ هزار ریال به ۵۰ هزار ریال و تأمین کسری اعتبار دیه محکومان معسر جرائم غیرعمد ناشی از تصادفات قابل ذکر است. آوردن مسائلی مانند تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون «شوراهای حل اختلاف» (بند «غ» تبصره ۶) و مکلف‌کردن دولت به تثبیت، استمرار و افزایش حقابه ایران از رود هیرمند (بند «ن» تبصره ۲۰) با طبع قانون بودجه که مربوط به دخل و خرج سالانه است، انطباق ندارد. ناگفته نماند منع افزایش تعرفه خدمات اینترنتی توسط کارورها (اپراتورها) و نیز حذف معافیت مالیاتی مؤسسات کنکور دانشگاه‌ها، فعالیت‌های مربوط به انتشارات کمک‌درسی و فعالیت‌های هنری از قبیل بازیگری بیش از دو میلیارد ریال و تعیین مالیات برای هر نخ سیگار خارجی به میزان هزارو ۵۰۰ ریال و هر بسته تنباکوی وارداتی صد هزار ریال از نکات مثبت بودجه امسال است.